

## بررسی جایگاه پیامبر(ص) در شعر معاصر کودک

مرتضی رشیدی آشجردی<sup>۱</sup>، میترا محمودیه<sup>۲</sup>

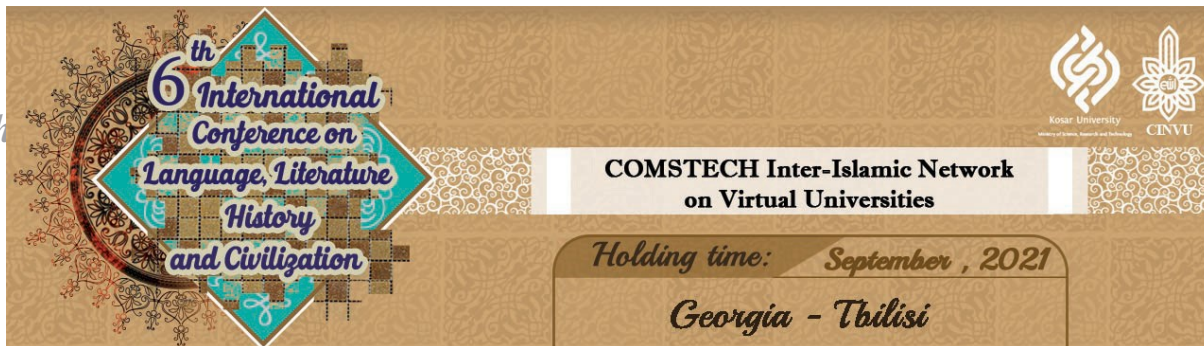
۲-استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

۱-نویسنده مسئول، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

### چکیده

تعلیم و تربیت کودکان در همه جهان مورد توجه بزرگان این عرصه بوده است. تعلیم آموزه‌های دینی جایگاه مهمی در تربیت کودک را به خود اختصاص داده است. یکی از راههای آموزش دین به کودکان شعر است که به دلیل ماندگاری در حافظه کودکان، موسیقایی و تأثیرگذار بودن کاربرد دارد. از دیرباز شعر وسیله‌ای برای تجسم شخصیت‌های دینی در برابر دیدگان کودک بوده. آشنایی کودکان با پیامبر(ص) به عنوان قهرمان، تجربیاتی به آنها می‌آموزد که باعث شکل‌گیری تفکر مثبت در آنها می‌شود. حضور این باور در ذهن کودک، زمینه ساز خلق اشعار بسیاری شده؛ اما اینکه این مفهوم تا چه اندازه درون مایه‌های شعر کودک را تحت تأثیر قرار داده و شاعران تا چه اندازه در این راه موفق بوده‌اند، مجهول باقی مانده است. از آن جا که شعر کودک در این زمینه مانند موضوعات مذهبی دیگر گاه دچار افراط و تفریط در بیان موضوع یا توجه بیش از حد به عناصر ظاهری شعر می‌شود باید مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. اشعار دینی همچون دیگر شعرهای کودکان خالی از اشکال نیست؛ شعارگویی، غیر قابل درک بودن مفهوم ارائه شده و اشکالاتی از این قبیل در آنها به چشم می‌خورد. متأسفانه برخی از شاعرانی که در زمینه مذهب سروده‌اند یا بیش از حد به محتوا پرداخته‌اند یا به بیرونی‌ترین سطح شعر، توجه کرده‌اند و یا برای شهرت کار کرده‌اند و اثرشان بازاری شده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی و تحلیل محتوا به نقد و بررسی مفهوم پیامبر(ص) در بعضی از اشعار پرداخته که برای کودک سروده شده و چگونگی بیان آنها را در شعر کودک مورد توجه قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** شعر، کودک، پیامبر



## مقدمه

تربیت دینی یکی از کارکردهای مهم نظام آموزش و پرورش کشور به شمار می‌رود. کودکان به خواندن و ضبط شعر در حافظه بیشتر از آثار دیگر علاقه نشان می‌دهند. با وجود این تا به حال نقش شعر در پرورش باورها و مفاهیم دینی آن طور که باید بررسی نشده و در این زمینه هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

انسان برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی نیازمند راهنماست. در جامعه بشری، انسان‌هایی برگزیده شده‌اند که زندگی آنها، الگویی برای دیگر انسانهاست. انتخاب پیامبرانی از جنس بشر که نیازهای بشری در آنها وجود دارد و مانند دیگران موظفند تکالیفی را انجام دهند؛ پذیرفتن این الگوها را از جانب مردم راحت تر می‌کند.

از آنجا که کودکان در سنین مختلف برداشت‌های متفاوتی درباره پیامبر (ص) دارند، مطالعه شاعر در مورد نگرش آنها شعرش را به دیدگاههای کودکان نزدیک و در خلق اثر به او کمک می‌کند. شاعری که برای کودک می‌سراید باید شناخت کافی از او داشته باشد، از بزرگسالانه گویی و شعار دادن بپرهیزد، از واقعیت‌هایی سخن بگوید که کودکان با آنها روبرو می‌شود و گفتار خود را بر اساس درک، احساس، علایق و اندیشه کودک تنظیم کند.

سرودن شعر به دور از اغراق و به زبانی ساده و کودکانه درباره پیامبر (ص) می‌تواند شخصیت واقعی ایشان را به عنوان قهرمان مثبتی که باید از پیشامدهای خوب و بد زندگی او درس گرفت برای کودک به تصویر بکشد.

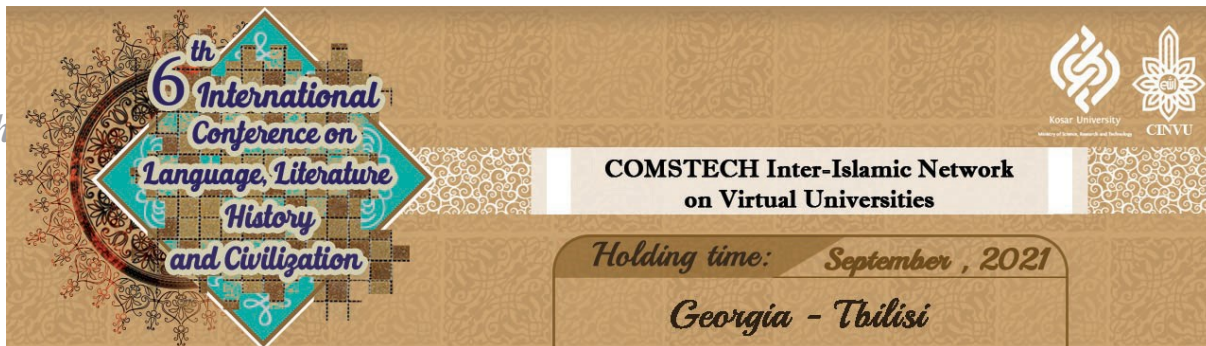
گاه شاعر آن قدر خود را درگیر پیام شعر می‌کند که از سایر ابزار شعری چون وزن، عاطفه، تخیل و این قبیل موارد غافل می‌شود و گاه توجه بیش از حد به ظواهر شعری دریافت مفهوم را برای مخاطب دشوار می‌سازد. شاعر باید نتیجه‌گیری را به مخاطب بسپارد؛ پیام شعر باید در لایه‌های شعر مخفی باشد تا کودک، خود آن را دریابد.

در اشعار مربوط به بزرگان دینی از جمله پیامبر (ص) به مدح و غم از دست دادن ایشان پرداخته شده و در میان آنها شعری که به زندگی‌نامه و روابط اجتماعی، سیاسی و ... پیامبر (ص) اشاره کند، نادر است.

## درک کودکان از مفهوم پیامبر

اعتقاد کودکان در زمینه کودکی پیامبر بسیار متفاوت است. برخی کودکان دوست دارند او را فردی مقدس معرفی کنند. اما پس از هشت سالگی به او به عنوان یک الگو نگاه می‌کنند. اغلب کودکان معتقدند که پیامبر معصوم است چون خوب تربیت شده بود، اما در گروه «ج» (سال‌های پایان دبستان) همان الگو بودن او مطرح می‌شود.

«استنباط کودکان از پیامبران دین خود، از یک تلقی خام آغاز شده؛ به تدریج به سوی برداشتی پیشرفته سوق پیدا می‌کند. مراحل این استنباط را می‌توان در چند دوره مشاهده نمود: نخست؛ تا نه سالگی که تصور کودکان از پیامبر دین خود معشوش و پراکنده است. بالاخره تلقی او این است که وی فردی خوب، مفید و پارساست. تعداد قابل توجهی از کودکان در این دوره او را فردی معمولی می‌دانند و بسیاری هنوز به لباسها و ظاهر فیزیکی‌شان نظر دارند که نیکوکار بودن او هم به آن ضمیمه می‌شود، ... پیامبر در نظر آنان از سایر مردم مهربانتر، زاهد و بسیار مفیدتر و خوش اخلاق تر جلوه می‌کند.



دوم؛ از نه تا سیزده سالگی؛ یک دوره واسطه پدیدار می شود که در آن پیامبر با دیگران متفاوت و بی همانند است، چرا که از قدرت معجزه بهره مند است، مانند این بیان کودکی که: "او تنها مردی بود که می توانست معجزه بکند." در این دوره برخی کودکان تلاش می کنند تا موقعیت ویژه او را در زمینه های دیگر تشخیص دهند، مانند این که: "او بزرگ بود و مردم به او ایمان داشتند." یا "خدا به او همیشه کمک می کند و معلومات بیشتر به او می دهد." تأکید بسیار آنان بر معجزات و تأثیر سودمند الهی راه را برای بیان و اثبات قدرت فوق العاده می گشاید که تنها نشأت گرفته از نیروی سحر آمیز نیست. (باهنر، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۷)

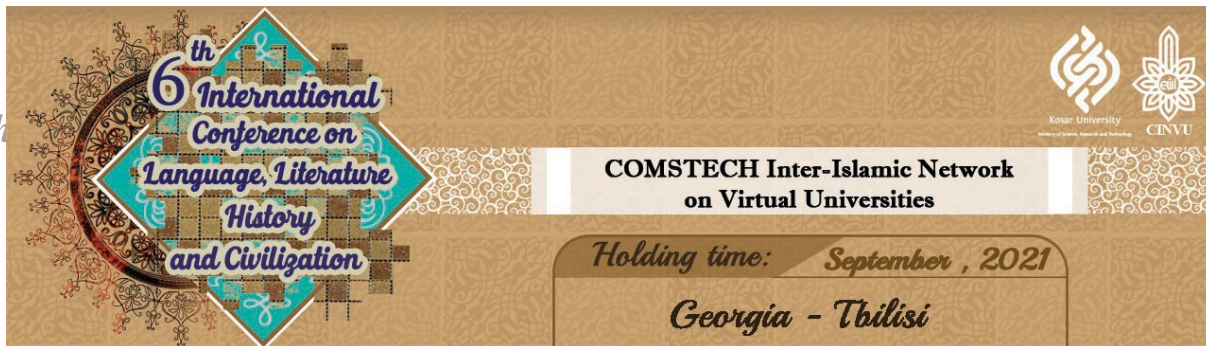
کودکی دوازده ساله در این زمینه توضیح داده بود: «او (در کودکی) از همه بدی ها به وسیله خدا محافظت می شود و او برخلاف ما نیروی مخصوص داده شده بود.» و درباره بزرگسالی او گفته بود: «او فرد مخصوص بود که انتخاب شد تا مردم را به خدا معتقد سازد. اگر او کار بد می کرد مردم به او ایمان نمی آوردند.» (ن.ک. باهنر، ۱۳۸۸: ۹۹)

### وحی

در مورد ارتباط خدا با انسان، کودکان تا سن ۹ سالگی تصور می کنند، وحی صحبت انسانی با انسان دیگر و با صدای بشری برای گوش های بشری است که اگر پیامبری از نعمت شنوایی بی بهره باشد، این ارتباط نیز از میان خواهد رفت، مگر آن که خدا گوش او را شنوا سازد یا از طریق دیگر مادی و فیزیکی، مقصود خود را به او بفهماند ولذا انسان های دیگر نیز اگر در موقعیت پیامبران قرار بگیرند، آن پیام ها را خواهند شنید.

کودکان تا سن ۱۱ سالگی نوعی تقدس را مطرح می سازند. چرا که به پاسخ های ساده مادی قانع نیستند، اما از آن ها رهایی هم نمی یابند و نمی توانند برای این سؤال که آیا دیگران هم قادر هستند همچون پیامبران پیام خود را بشنود، پاسخ و دلیل مناسبی ارائه دهند. (همان: ۱۰۰)

«...آمد از غیب، رسولی چون ماه  
مثل یک رود، صدای گرمش  
در دل غار حرا موج انداخت  
گفت «اقراً» به محمد (ص)، آن گاه  
چهره از دید او پنهان ساخت  
...جبرئیل آن ملک عرش خدا  
گفت: «پیغام خدا را بشنو  
آنچه می خوانم و می گویم من



هست فرمان خدایم بر تو.»

(ماهوتی، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۶)

### ضرورت توجه به قهرمانان در زندگی

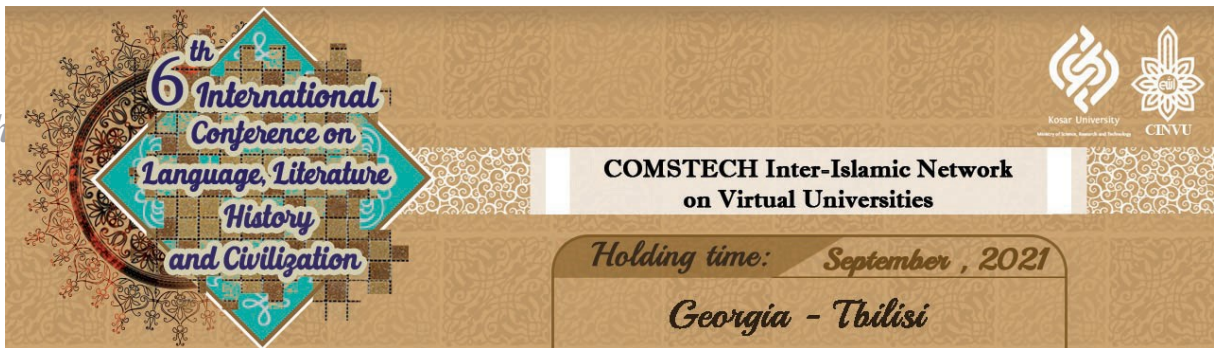
آشنایی کودکان و نوجوانان با زندگی قهرمانان تجربیات تازه‌ای به آن‌ها می‌آموزد که باعث شکل‌گیری تفکر مثبت در آن‌ها می‌شود.

«کودکان باید بدانند که هر چه در این دنیا است، از اسباب‌بازی که به دست دارند تا اندیشه خدا، افسانه‌های باستان، فکر برادری انسان‌ها، همه و همه به قیمت کوشش سخت و پیگیری کسانی ساخته شده است که پیش از آن‌ها می‌زیسته‌اند.» (سهراب مافی، ۱۳۷۲: ۱۷-۱۶)

کودکان با خواندن سرگذشت پیشوایان از پیشامدهای خوب درس می‌گیرند، در مورد علت رویدادهای بد کنجکاو می‌شوند. درک اشتباهات گذشتگان و سرمشق قراردادن قهرمانان مثبت فردای روشنی را در برابرشان قرار می‌دهد. شاعری که برای کودک می‌سراید در این زمینه مسئولیتش چند برابر خواهد بود زیرا علاوه بر آن که واقعیت‌ها را با زبان کودکانه نشان می‌دهد؛ باید توجه داشته باشد که مبالغه در نشان دادن واقعیت‌ها نتیجه معکوس دارد. «پیامبران عقیده داشتند که رشد عقلانی و خلاقیت فرهنگی و گسترش تمدن تنها در یک جامعه مردم سالار آزاد امکان‌پذیر است. از همین رو بزرگترین مانع رشد عقلانی را غلو در دین و پرستش رهبران دروغین مذهبی می‌دانستند.» (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۲: ۱۸۲)

یکی از ویژگی‌های شعرهایی که برای بزرگان و پیشوایان سروده می‌شود، این است که باید در آن از شعار دادن و مستقیم‌گویی دوری کرد؛ چرا که شعر جای حرف و شعار نیست، جای وصف و نشان دادن است و اگر قرار باشد شعار بدهیم، همان بهتر که شعری سروده نشود. افتادن به این ورطه شعارزدگی و مستقیم‌گویی باعث کم‌رنگ شدن عاطفه و از بین رفتن تأثیر شعر می‌شود. اگر شعار بر شعر غلبه کند، آن را ضعیف می‌کند. هر جا شاعر پیام و حرف خود را در خلال شعر به شکل غیر مستقیم بیان می‌کند و از شعار اجتناب می‌کند، موفق است، اما آن جا که شاعر نقش معلم اخلاق را ایفا می‌کند و قصد پیام دادن و یا نتیجه‌گیری کردن از شعر را دارد و فراموش می‌کند کسی که باید نتیجه بگیرد مخاطب است تأثیر شعر کم می‌شود.

یکی از نکاتی که شعر کودک را از شعر بزرگسال متمایز می‌کند، توجه به درک، احساس، اندیشه و عواطف هنگام سرودن است. شاعر بزرگسال می‌تواند بر مبنای علاقه و احساس و اندیشه خود شعر بگوید به زبان ساده‌تر برای دل خودش بگوید و مخاطب این اختیار را دارد که شعر او را دوست داشته باشد یا از آن بدش بیاید، اما شاعری که برای کودک شعر می‌سراید نمی‌تواند برای دل خودش بسراید. او باید شناخت کافی از مخاطب و علایق و احساسات او داشته باشد چرا که اگر به این نکته مهم توجه نکند، صدمات جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت.



## شخصیت پردازی

اگر چه شخصیت در داستان نقش مهمی دارد اما به نظر می رسد در شعر کوتاه بودن، مانع توجه مستقیم به معرفی شخصیت شده و بیشتر به پیام پرداخته می شود.

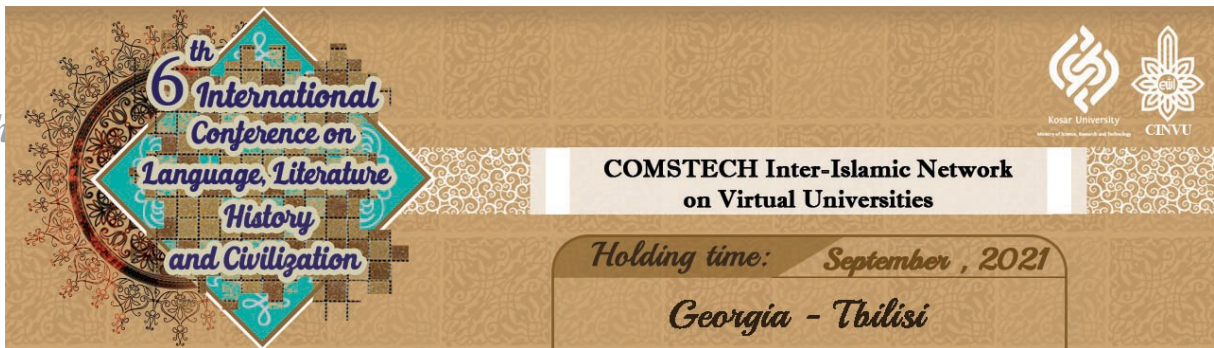
«اشخاص ساخته شده (مخلوق) را که در داستان و نمایش نامه و ... ظاهر می شوند، شخصیت می نامند. شخصیت در اثر روایی یا نمایش، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آن چه می گوید و می کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت هایی را که برای خواننده در حوزه داستان، تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می کنند، شخصیت پردازی می گویند.» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۸۴)

«شخصیت از عناصر کلیدی در داستان است و شعر تا حدودی می تواند مستقل از شخصیت پدید آید، لکن شعر کودک نیز به اقتضای پیامی که به کودک ارائه می کند، از شخصیت ها بهره می برد. شعرهای کودکان به دلیل ویژگی های خاص مخاطبشان، غالباً کوتاه و مختصرند و مانند داستان های کوتاه، در آن ها نیز چندان مجال برای شخصیت پردازی وجود ندارد. در اغلب داستان ها پرداختن به شخصیت ها، برای نشان دادن ویژگی ها و خصلت های آن ها صورت می گیرد. در حالی که در شعرهای کودکان، شخصیت ها برای جلب توجه کودک مطرح می شوند و هدف اصلی، پیامی است که توسط آن ها به مخاطب منتقل می شود.» (محمدی رفیع، ۱۳۸۴: ۵۶)

در مجموعه چند جلدی «پیامبر عزیز ما» برای نشان دادن سادگی و مهربانی پیامبر (ص) حکایت های بدون مأخذ را با زبانی تنزل یافته سطحی و اشکالات وزنی شدید ارائه کرده است. شاعر فقط مضمون بازی کرده و موارد ذهنی خود را جزء به جزء به تصویر کشیده شده است. شاعر به اعتبار وزن و قافیه سعی در آموزش یا شناساندن مسائل دارد که در نهایت نتیجه گیری هم نامفهوم است.

در کتاب سوار کار مهربان با این بیت ها مواجه می شویم:

«...پیامبر خدا هم  
رو اسب خود نشسته  
برای اسب خود هم  
زین قشنگی بسته  
جلو می افتد اسبش  
از همه سواران  
با اسب خود می تازد



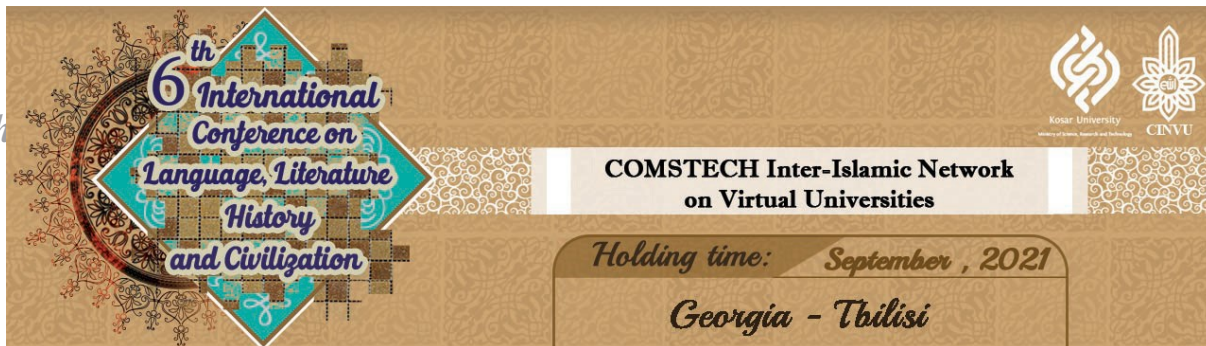
به سوی خطّ پایان  
 اسب زرننگ و تیزش  
 پرنده بود پرنده  
 پیامبر گرامی  
 برنده شد برنده

معلوم نیست شعر دربارهٔ پیامبر بود؟ اسب ایشان؟ یا مسابقه‌ای معمولی؟ (ن ک. حیدری شاهی سرای، ۸۹-۱۳۸۸: ۷۶)  
 شعر زیر از ناصر کشاورز دربارهٔ پیامبر (ص) سروده شده است:

«سلام ای محمدی  
 سلام ای گل لطیف  
 علیک شاعرانه‌ات  
 خوش و صمیمی و ظریف  
 شبیه قطره‌ای زلال  
 چکیده‌ای تو از بهشت  
 نمی‌شود که شعری از  
 تو گفت و ساده هم نوشت  
 از آسمان به سوی ما  
 تو با محمد آمدی  
 تو پاکی و گمان کنم  
 که خواهر محمدی...»

(حداد، ۱۳۷۷: ۱۷۵)

کودکانی که این شعر را می‌خوانند حتماً باید از قبل داستان معراج پیامبر (ص) را بدانند و به کار بردن عبارت «علیک شاعرانه‌ات» برای کودکان سخت و دور از ذهن به نظر می‌رسد.



گل محمدی که از باورهای مردم گرفته شده، باعث شده این گل تبدیل به نماد شود و به کار بردن آن در شعر زیبا و تاثیر گذار است.

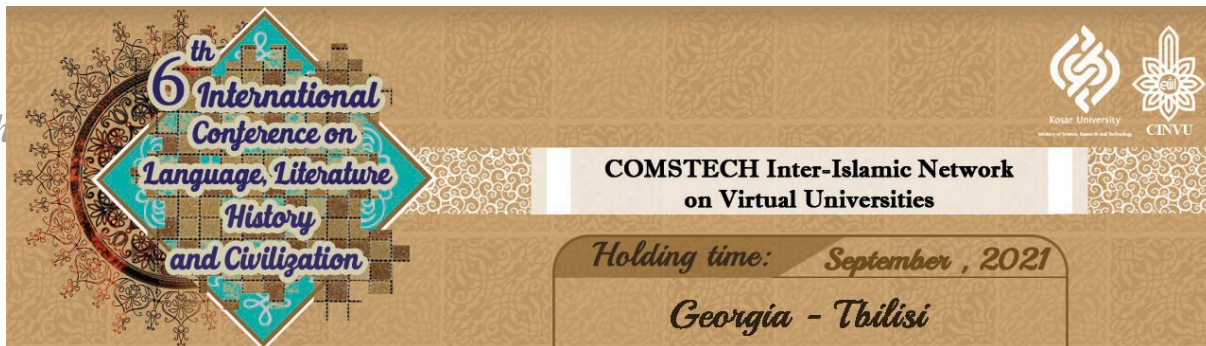
### تفاوت شعر کودک با شعر بزرگسال

سبک شاعر کودک با هم فرق دارد شاعر کودک شعر می گوید تا حرف دل او را بزند و احساس پاک و ساده او را برانگیزاند و خنده بر لب او بیاورد نه اینکه او را با مفاهیم و مضمونهای بزرگسالی آشنا کند و سعی کند او را به دنیای بزرگترها بکشاند. و از او توقع داشته باشد همچون آنها بیاندهد و حرفهایشان را درک کند. شکوه قاسم نیا درباره تفاوت شعر کودک و بزرگسال می نویسد: «شعر کودک و شعر بزرگسال یک اشتراک اصلی و نیز یک تفاوت بنیادی دارند. اشتراک اصلی این دو رسالتی است که در گشودن گره کور هستی و معنا بخشیدن به زندگی دارند، و تفاوت اصلی آنها در چگونه باز کردن این گره و معنابخشی به زندگی است. شاعر بزرگسال بر قله ای به بلندای بینش و دانش خود و مخاطبان خود ایستاده و لب به سرودن گشاده است. و شعر کودک ناگزیر از این قله پایین آمده و گشت و گذار در هزارتوهای ذهنی و روانی مخاطب خود را پیشه خویش ساخته است. سرخم کرده و پا به پای کودک شعرش در دنیا می چرخد و می گردد. آن طور می بیند که او می بیند و آن گونه می اندیشد که او می اندیشد. شاعر کودک ریاضتی سخت می کشد تا از «من» خود جدا گردد و به «من» مخاطبش بیوندد ... و اما شعر کودک، برخلاف شعر بزرگسال، مخاطبی الزاماً علاقه مند پیش رو ندارد و بنابراین شاعر باید در ایجاد این علاقه مندی بکوشد.» (فرخ مهر، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱) وحید نیکخواه آزاد در مصاحبه ای می گوید: «شعر کودک در ذات از شعر به مفهوم کلی متمایز است. شعر به مفهوم کلی در ارتباط با مخاطبش تعریف نمی شود بلکه در ارتباط با شاعر تعریف می شود؛ در حالی که شعر کودک در ارتباط با مخاطبش تعریف می شود. این کلیدی ترین تفاوت است. شاعری که به مفهوم عام شعر می گوید شعر را برای خودش می گوید و ممکن است بقیه هم از آن خوششان بیاید. مثل کسی که غذایی را برای خودش می پزد و بعضی ها از آن خوششان می آید و بعضیها هم خوششان نمی آید. اما شاعر کودک مثل کسی است که برای بچه ای که دندان ندارد غذا می پزد. این غذا باید به اندازه کافی نرم باشد و احتیاجات بچه را در سن رشد تأمین کند و در عین حال خوشمزه هم باشد.» (رجب زاده، ۱۳۷۴: ۶۸)

شعر کودک باید با سطح رشد ذهنی کودک و سن آنها تناسب داشته باشد. دنیای کودک و بزرگسالان دو دنیای متفاوت است و طرز تفکر آنها با هم فرق دارد.

«جاذبه احساسی شعر کودک باید بازتابی باشد از احساسات واقعی کودکان. اشعاری که زیبا و فریبنده و یا حسرت آور و کنایی هستند ممکن است درباره کودکان باشد، ولی مسلماً شعر کودک نیستند.» (قزل ایغ، ۱۳۸۶: ۲۰۶)

نگاه و احساس بزرگسالان به یک پدیده مشابه نگاه و احساس کودکان نیست؛ شاعر کودک باید مخاطب خود را بشناسد و برای دوران کودک شعر بگوید نه برای کودکی که در حال بزرگ شدن است و باید مراقب باشد که شعرش با کودک رشد نکند.



«وحدید نیکخواه آزاد در این زمینه می گوید: "اگر ما کودک مخاطبان را رودخانه‌ای در نظر بگیریم، در واقع با رودخانه سر و کار داریم، نه با آبی که در یک لحظه در یک قسمت از رودخانه است."» (رجب‌زاده، ۱۳۷۴: ۸۸) شاعر هر چه قدر هم هنرمند باشد و در شاعری استاد هر لحظه باید متوجه مخاطب خود باشد. شکوه قاسم‌نیا دربارهٔ وظیفهٔ اصلی قلمزنان کودک می‌نویسد: «من فکر می‌کنم وظیفه اصلی ما به عنوان قلمزنان کودک باید این باشد که بچه‌ها را به هر قیمتی که هست در دنیای کودکی نگه داریم. اگر آنها معنی هزار کلمه و ترکیب را هم می‌دانند خوب بدانند» خوشا به سعادتشان، چه از این بهتر! اما ما را به دانستیهای آنها چه کار؟ ما با نیازها و احساسهای آنها کار داریم. ما که اسممان را عالم کودکان نگذاشته‌اند! ما شاعر کودکانیم و یادمان نرود که شاعر کودک نباید و حق ندارد که همپای مخاطبان خود بزرگ شود. این اصلی است که از آغاز به آن متعهد می‌شویم.» (قاسم‌نیا، ۱۳۷۴: ۳۶)

برای نمونه در شعر «لحظهٔ لبخند» بابک نیک طلب، شاعر هر چند بیت یک بار دچار تب بزرگسالی می‌شود:

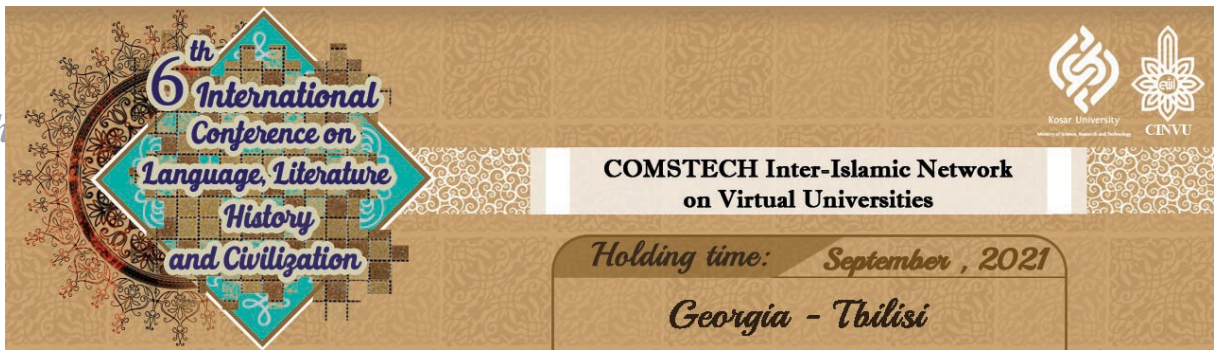
«خاک در اندیشهٔ باران نبود

هیچ نشانی ز بهاران نبود  
 ... تا تو فرود آمدی از اوج نور  
 روح زمین تازه شد از موج نور  
 از نفس گرم تو گل جان گرفت  
 باغ طراوت سروسامان گرفت  
 ... آمدی و نوبت فردا رسید  
 فصل شکوفایی گل‌ها رسید»

(نیک‌طلب، ۱۳۸۳: ۱۳)

در کنار این مشکلات می‌توان مختصراً به مواردی از اشکال زبانی یا معنایی و... نیز اشاره کرد. وظیفهٔ سنگینی بر دوش شاعر است او باید از دید کودک به دنیا نگاه کند و دنیا را مانند کودک ساده ببیند و از الفاظ و ترکیباتی استفاده کند که در حد فهم او باشد.





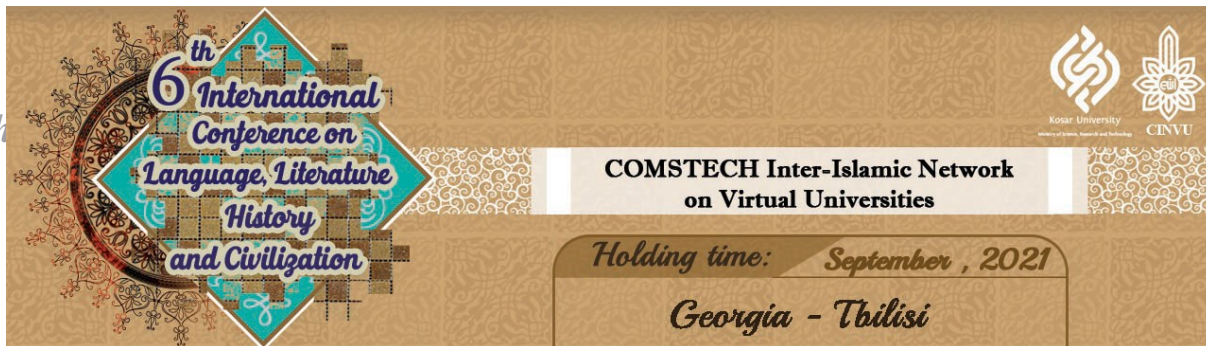
### ميلاد پيامبر (ص)

سبد سبد ستاره  
 «از آسمان رسیده  
 نسیم، دختر باد  
 خدا چه هدیه‌هایی  
 برای ما فرستاد  
 هزاردانه یاقوت  
 هزار غنچه ناز  
 هزار باغ خورشید  
 هزار چشمه آواز  
 فرشته‌ها می آیند  
 به سوی ما دوباره  
 به روی بالهانشان  
 سبد سبد ستاره  
 دوباره ماه و خورشید  
 کنار هم نشستند  
 به حضرت محمد (ص)  
 درود می فرستند»

(علاء، ۱۳۷۷: ۹)

حاکمیت حس و عاطفه در این شعر باعث شده است که شاعر از موضوع شعر غافل شده و ابهام به وجود آید. موضوع

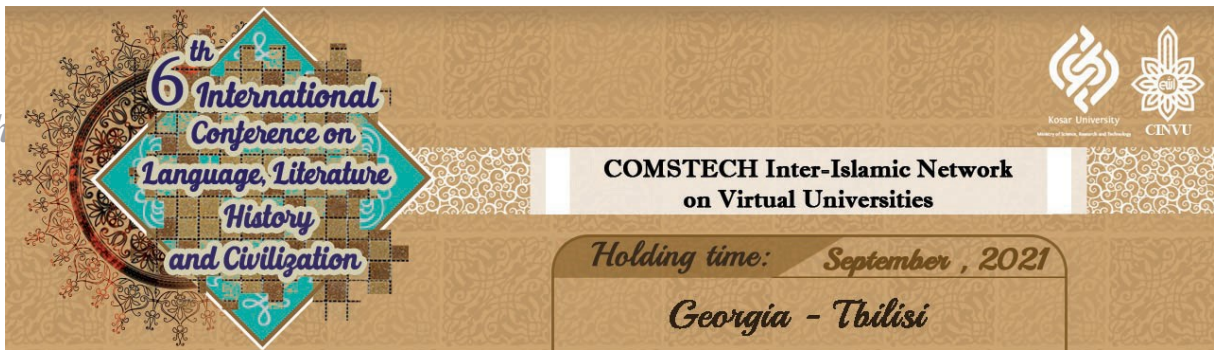
شعر ثواب صلوات است یا میلاد پیامبر (ص)؟



پیچیدگی و ابهام در حوزه زبان، حیطة بیان و محتوای شعر کودک جایز نیست. نگاه شاعر کودک باید کودکانه باشد تا بتواند مخاطبش را جذب کند. آوردن اندیشه‌هایی که کودک از درک آن‌ها عاجز است و تصویرهایی انتزاعی که در شعر بزرگسال به کار می‌رود و فراتر از ذهن کودک است، شعر کودک را دچار ابهام می‌کند. البته در این چهارپاره، تکرار حرف سین، موسیقی و دلنشینی را در ذهن مخاطب زمزمه می‌کند. شاعر به یاری تخیل هر چیز بی‌جان را زنده می‌سازد. جاندار پنداری از ویژگی‌های تفکر کودکانه است. او ماه و خورشید را جاندار می‌پندارد، مانند انسان‌هایی که دوستانه کنار هم نشسته‌اند و به پیامبر (ص) درود می‌فرستند. شاعر باد را مثل انسانی می‌داند که دختری دارد و نسیم هم فرزند اوست.

شعری که علی اصغر سیدآبادی در مورد میلاد پیامبر (ص) سروده یکی از نمونه‌های خوب شعر کودک است:

«آب و جارو کرده‌اند  
 کوچه‌های مگه را  
 بوی گل پیچیده است  
 در تمام کوچه‌ها  
 گویا گسترده‌اند  
 پیش پایش آسمان  
 فرش راهش می‌شود  
 آفتاب مهربان  
 می‌رسد مردی ز راه  
 با صدایی آشنا  
 بادش پل می‌زند  
 بین انسان و خدا  
 با صدای روشنش  
 شب به پایان می‌رسد  
 در بیابان‌های خشک



بوی باران می رسد»

(حداد، ۱۳۷۷: ۱۷۹)

حس آمیزی، یعنی نسبت دادن محسوسات یکی از حواس پنجگانه به حس دیگر و آمیختن دو حس به یکدیگر مانند صدای روشن زیبایی شعر را دو چندان کرده است.

آوردن «ز» به جای «از» از موارد تخفیف واژگان است که در شعر کودک باعث نارسایی زبان می شود.

### مبعث پیامبر (ص)

«آن شب ستاره

تا صبح بارید

روشن تر از پیش

مهتاب تابید

دنیا لباسی

از نور پوشید

قلب ملائک

از شوق جوشید

...تا صبح آن شب

نوری به پا بود

سرچشمه نور

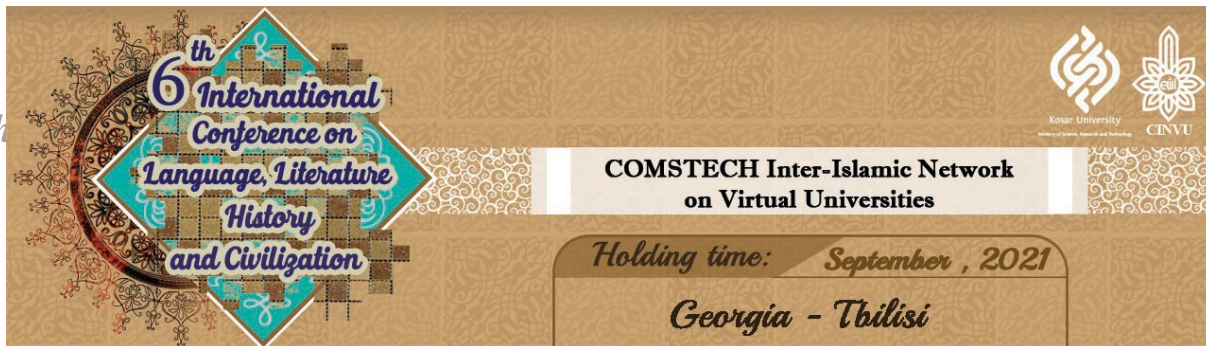
غار حرا بود

زیرا در آن شب

پیغمبر ما

از جانب حق

شد رهبر ما»



(همان: ۱۷۸)

در شعر علی اصغر نصرتی به کار بردن عبارت جوشیدن قلب ملائک برای کودک کمی عجیب به نظر می‌رسد. «به پا بودن نور» و همچنین «لباس نور پوشیدن دنیا» ترکیبی زیبا برای شعر بزرگسالان است. «شاعر کودک باید با حفظ مختصات بزرگسالی خود، چون کودک شود، قد خم کند و همدوش با کودک مخاطبش به دنیا نگاه کند، زاویه دید او را بیابد و آن گاه یک بار دیگر به کشف شهود شاعرانه خود برسد.» (قاسم‌نیا، ۱۳۷۵: ۱۷)

جواد محقق در شعر «عشق برگزیده شد» بسیار خوب آغاز می‌کند، اما در بند آخر به عارضه بزرگسالانه گویی دچار می‌شود.

«در میان سینه‌ها

قلب‌ها صدا زدند

عاشقی که دیده شد

عشق برگزیده شد»

(نیک‌طلب، ۱۳۸۳: ۱۸)

او در این شعر از نماد «بادهای هرزه گرد» استفاده کرده است که قطعاً این ترکیب از زاویه دید کودک نگریسته نشده است.

«یک نسیم تازه گفت:

«سروها سلامت‌ان

زندگی نوشته شد

باز هم به نامتان»

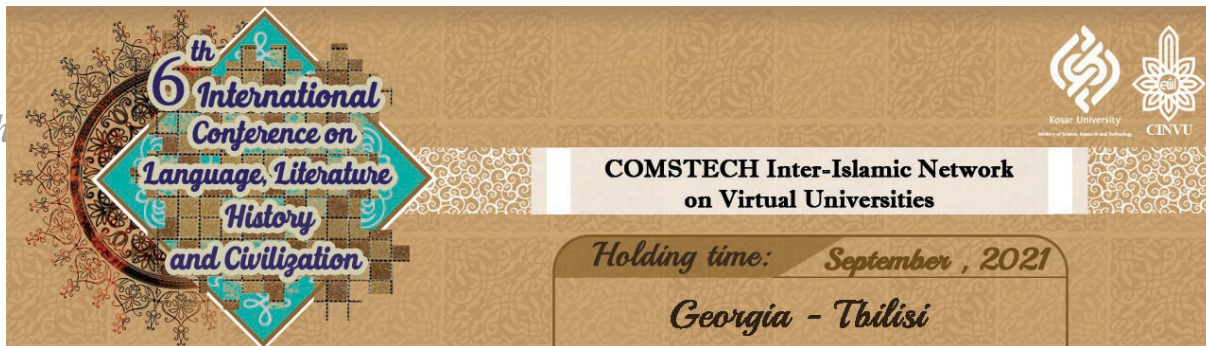
«باغبان رسیده بود

باغ‌ها جوان شدند

بادهای هرزه گرد

باز هم نهان شدند»

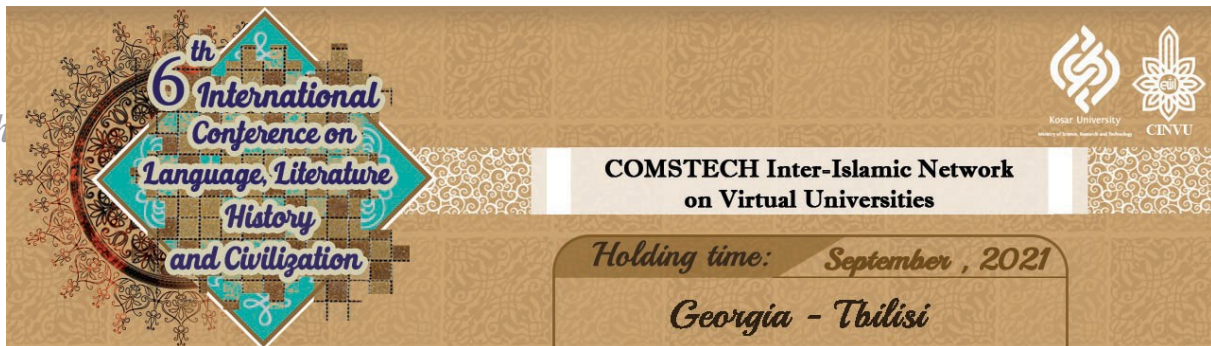
(همان: ۱۸)



واژه‌ها و مفاهیمی که در شعر کودک به کار می‌رود باید متناسب با سن آنها باشد. شعر کودک باید سهل و ممتنع باشد. «زمانی شعر کودک زیباتر و دلچسب‌تر می‌شود که اندیشه‌ای بزرگ با زبانی ساده و روان بیان شود که قطعاً جهت رعایت سادگی در شعر کودک، چه از حیث بیان و چه از حیث زبان، نیاز به تجربه‌های فراوانی است. پس شاعر کودک باید به اصل سادگی و روانی شعر کودک بسیار توجه نماید و شعری برای کودکان بسراید که در کنار شعر بودن، ساده و روان نیز باشد.» (علی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۹۷-۱۹۶)

احمد خدادوست در شعر «بوی خنده خورشید» بعثت را به زیبایی به تصور کشیده است:

«آسمان چه زیبا بود  
 آسمان چه می‌خندید  
 بر زمین و گل‌هایش  
 جان تازه می‌بخشید  
 بوی خنده خورشید  
 سوی غنچه می‌آمد  
 بوی مهربانی‌ها  
 توی کوچه می‌آمد  
 روز جشن گل‌ها بود  
 روز بعثت خورشید  
 عطر سبز بیداری  
 با ترانه می‌پیچید  
 آسمان صحرا هم  
 مثل غنچه زیبا شد  
 در نگاه گل، آن روز  
 جشن تازه پیدا شد»



(نیک‌طلب، ۱۳۸۳: ۲۲)

کاربرد حس آمیزی در ادبیات، بسیار رایج است و یکی از روش‌های هنجار گریزی معنایی است که در ادبیات کودک نمونه‌های فراوان دارد. «عطر سبز بیداری» حس آمیزی است که شعر را زیباتر کرده است.

### رحلت پیامبر (ص)

وقتی که گل پژمرد

«وقتی که خورشید قشنگ

با سایه هم‌رنگ شد

وقتی عروس آسمان

آن روز مثل سنگ شد

...وقتی که پای جوی‌ها

برگ درختان زرد شد

خشکید آب چشمه‌ها

توی دلم پر درد شد.

پرسیدم از یک قاصدک

دنیا چرا آشفته است؟

نالید و گفت: از پیش ما

آخر محمد رفته است»

(نصرتی، ۱۳۶۶: ۱۶)

شاعر در این شعر دچار عارضه بزرگسالانه سرایی شده است. «سنگ شدن عروس آسمان»، «پر درد شدن دل»، ردپایی از دید بزرگسالانه است. شاعر کودکان باید کودک شود و دنیا را از دریچه چشمان کودک بنگرد، با او همراه شود و پا به پای شعرش به کودکی باز گردد. دکتر قیصر امین‌پور شعر را همچون بازگشت به شعر کودکی می‌داند و شباهت شاعران و کودکان را از جهات مختلف بیان می‌کند؛ عواملی همچون شیفته بازی بودن، پرداختن به تفکر و تخیل و اعتقاد به جاندارپنداری ... (ن.ک. امین‌پور، ۱۳۸۵: ۱۴-۹)



در شعر محمد کاظم مزینانی با اشکال دیگری از همین نوع رو به رو می شویم و آن عبارت وزیدن بال فرشته بر صورت مهتابی پیامبر اکرم (ص) است.

«وقتی به دنیا آمد او

خورشید در کنجی خزید

بر صورت مهتابیش

بال فرشته می وزید»

(مزینانی، ۱۳۷۵: ۵)

و یا در این قسمت شکفتن نیلوفر در لابه لای بالها

«تا چشم خود را باز کرد

با آن صدای بالها

مانند نیلوفر شکفت

در لابه لای بالها»

(همان: ۵)

و یا فرود آمدن آسمان در سینه پیامبر (ص) که کودک باید احتمالاً حدس بزند منظور نزول وحی و آیات قرآن است.

«یک شب تمام آسمان

در قلب او آمد فرود

دیگر از آن پس سینه اش

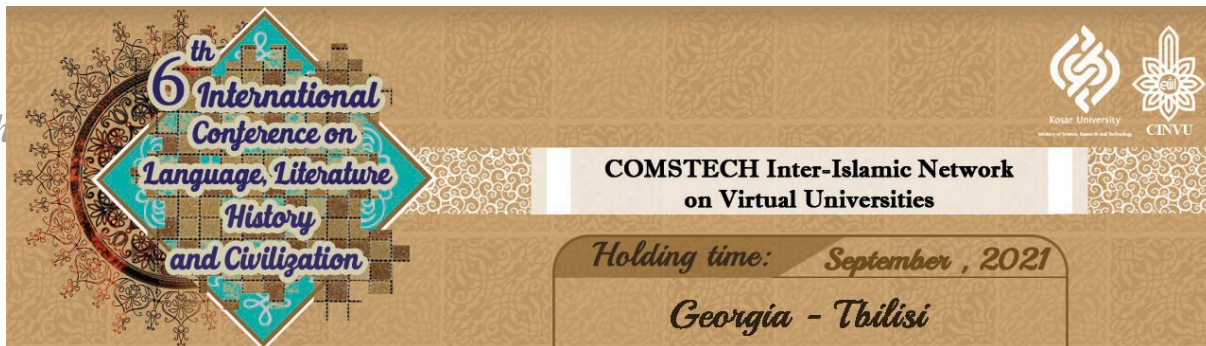
خود آسمانی تازه بود»

(همان: ۵)

شاعری که برای کودک شعر می گوید باید توجه داشته باشد عباراتی که برای بزرگسالان قابل فهم و زیباست ممکن

است برای کودکان دیرباب و نازیبا به نظر برسد.

یا در این قسمت که کودک دچار ابهام می شود:



«او: آن که یک شب ماه را  
با چشم‌های خود شکافت  
پرواز کرد و مثل نور  
سوی خدای خود شتافت»

(همان: ۵)

آیا همان شبی که ماه را شکافت پرواز کرد و یا شب دیگری بوده؟ و اینکه حتماً در این قسمت کودک باید از معجزه شق القمر پیامبر (ص) خبر داشته باشد. شعر کودک مخاطبی علاقه‌مند پیش رو ندارد و بنا بر این شاعر باید در ایجاد این علاقه‌مندی بکوشد.

### قصه منظوم

گونه‌ای از شعر کودک که می‌توان گفت هم قصه است و هم شعر و ریشه در ادبیات کهن دارد، منظومه‌های کودکانه است. محبوبیت داستان‌های منظوم نزد کودکان از قصه‌های معمولی بیشتر است چرا که به دلیل موسیقایی بودن بر ذهن آن‌ها تاثیر بسزایی دارد. «قصه منظوم، شکل ادبی است که در آن شعر و قصه در تلفیق با هم همراه با هدف‌های آموزشی، تربیتی و سرگرمی از صافی یک زبان هنرمندانه می‌گذرد و ویژگی‌های شعر و قصه را یک جا دارد.» (شعبانی، ۱۳۸۰: ۲۵)

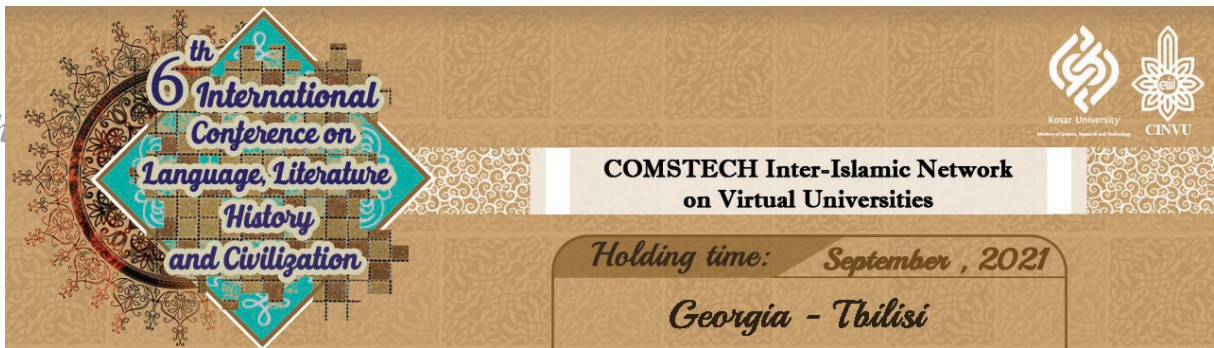
### شخصیت در منظومه‌ها

منظومه‌های کودکانه به دلیل مخاطبشان کوتاه و مختصرند و هدف اصلی در آن‌ها پیامی است که از طریق شخصیت‌ها منتقل می‌شود. شخصیت‌های انسانی که در منظومه‌های کودکانه به کار گرفته می‌شود، کودک را راهنمایی می‌کند که با شخصیت همانندسازی کند و شبیه آن شود. «شخصیت‌ها اعم از واقعی و خیالی، باید به گونه‌ای در ادبیات کودک مطرح شوند که مخاطبان قادر به درک و تصور آن‌ها باشند. در صورتی این شخصیت‌ها قادر به ارتباط با کودکان هستند که به یک سخنگوی صرف تبدیل نشوند. موضوع شعر کودک، کودک و پیرامون اوست. مخاطب آن نیز کودکانند، از این رو، شاعر کودک باید در انتخاب عناصر آن بسیار دقت کند.» (محمدی رفیع، ۱۳۸۴: ۶۲)

### موضوع منظومه

معمولاً در منظومه‌هایی که برای کودکان سروده می‌شود موضوع‌هایی با مضامین آموزشی آورده می‌شود. یکی از این موضوع‌ها، بزرگداشت امامان معصوم (ع) و پیامبر اکرم (ص) است. منظومه «مروارید مکه» که در ارتباط با زندگی حضرت محمد (ص) سروده شده است، جریان زندگی آن حضرت را پس از مرگ پدرش شرح می‌دهد و به رنج‌هایی که متحمل شده است اشاره می‌کند.





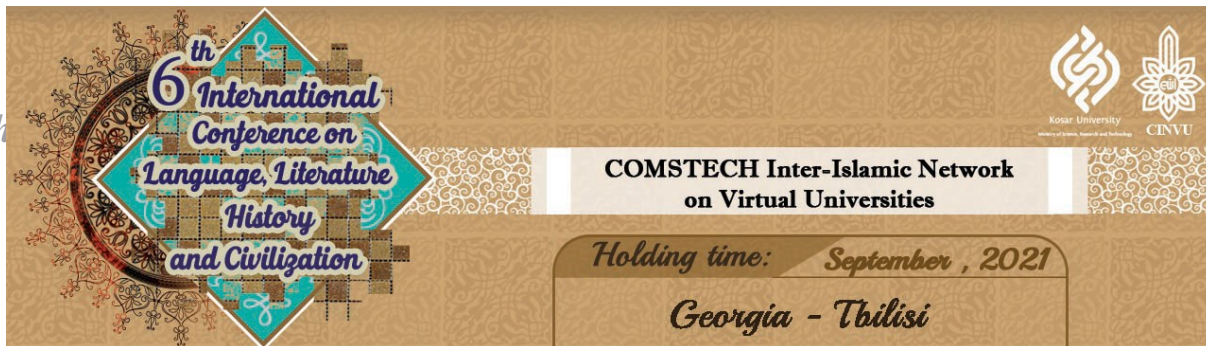
«آمنه طبق همین رسم قدیم  
 طفل خود را به یکی دایه سپرد  
 آن زن مؤمن و دل پاک و شریف  
 طفلک آمنه را با خود برد  
 او «حلیمه» زن یک مرد عرب  
 چند تا بچه دیگر هم داشت  
 و خدا، مهر محمد (ص) را در  
 قلب پر عاطفه دایه گذاشت»

(ماهوتی، ۱۳۸۹: ۶)

### منظومه‌های دینی

منظومه‌های دینی به بیان سرگذشت شخصیت‌های مذهبی پرداخته‌اند؛ مانند منظومه «مرورید مگه» که درباره زندگی پیامبر اکرم (ص) است.  
 «پشت یک کوه بلند سنگی  
 در دل خسته صحرائی دور  
 پسر کوچک چوپانی بود  
 از تبار گل و آینه و نور  
 او محمد (ص) گلی از باغ بهشت  
 مهربان با همه چون باران بود  
 مادرش آمنه فرزند وهب  
 بهترین دختر آن سامان بود»

(همان: ۳)



این منظومه برای کودکان بسیار آموزنده و مفید می‌باشد. در اشعاری که برای کودکان سروده می‌شود به دلیل آن که تفکر انتزاعی در آن‌ها شکل نگرفته است، کمتر از تشبیهات استفاده می‌شود. کودک با دریافت رابطه‌ای که بین عناصر شعر وجود دارد به آن علاقه‌مند می‌شود.

«آمنه مثل کبوتر پر زد

غنچه کودک او شد تنها

کودکی ماند و غمی بی پایان

حسرت مادر و یاد بابا

چشم‌هایش همه شب بارانی

دل او سفره پر غصه و آه»

(همان: ۱۲)

کودکان به خاطر از دست دادن کسانی که دوست دارند، رنج می‌برند و از کنار این غم بی توجه عبور نمی‌کنند؛ چرا که کودک با پدر و مادر خود ارتباط عاطفی نزدیکی دارد. شاعران از این ذهنیت کودک استفاده کرده و گاه حس همدردی همسالان دیگر را جهت همراهی با کودکی که شخصیت شعرشان را بازی می‌کند، بیدار کرده او را به همراهی دعوت می‌کنند.

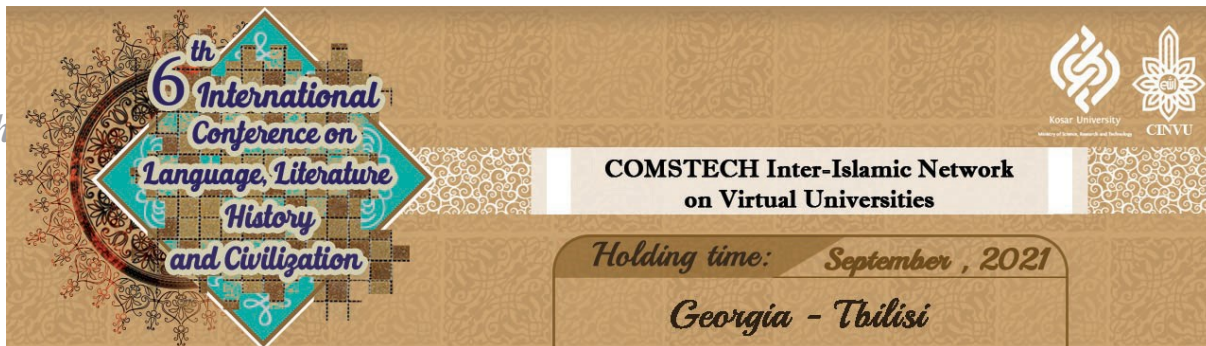
«احساسات و عواطف به منزله نیروهای روانی هستند که انسان را به تحریک و تلاش وا می‌دارد. شاد شدن از شادی

دیگران و غمگین بودن در غم آن‌ها، احساس همدردی و کمک به هم‌نوع، بالا بردن آستانه تحمل، کنار آمدن با واقعیت‌ها و درک علت‌ها از رهگذر تجربه‌هایی که خواه ناخواه قدم در مسیر رشد عاطفی کودک می‌گذارند، میسر خواهد شد. تجربه‌هایی که در جای خود، اندوخته‌های ارزشمندی هستند. علاوه بر این‌ها، هرگز نمی‌توان تکه‌هایی از زندگی کودک را که با غم و اندوه سپری می‌شود، نادیده گرفت.» (کشایی، ۱۳۸۹: ۸۶)

مهری ماهوتی از غم، جزء جدا نشدنی زندگی کودک استفاده کرده و به وصف یتیمی و وسعت اندوه پیامبر (ص) به دلیل از دست دادن پدر و مادر پرداخته است که در این قسمت آمنه به کبوتر، کودک به غنچه و دل به سفره پر از غصه تشبیه شده است. کبوتر شدن آمنه اشاره به این باور کودک دارد که هر کس بمیرد روح او به سوی آسمان پر می‌کشد. «... در یک مورد حیرت‌آور، کودک ده‌ساله‌ای که مادر بزرگش را از دست داده بود، پنجره آپارتمانش را باز کرد تا بیرون ببرد. بعد از او سؤال شد که اگر از پنجره بیرون می‌پریدی، بالا می‌رفتی یا پایین؟! او جواب داد: «بالا» او که بعد از مرگ مادر بزرگش بسیار احساس تنهایی می‌کرد، گمان کرده بود با بیرون پریدن از پنجره، به بالای ابرها نزد مادر بزرگش می‌رود.» (شافر، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

«عصر یک روز، دو دلتنگ و غریب

چون رسیدند سر خاک پدر



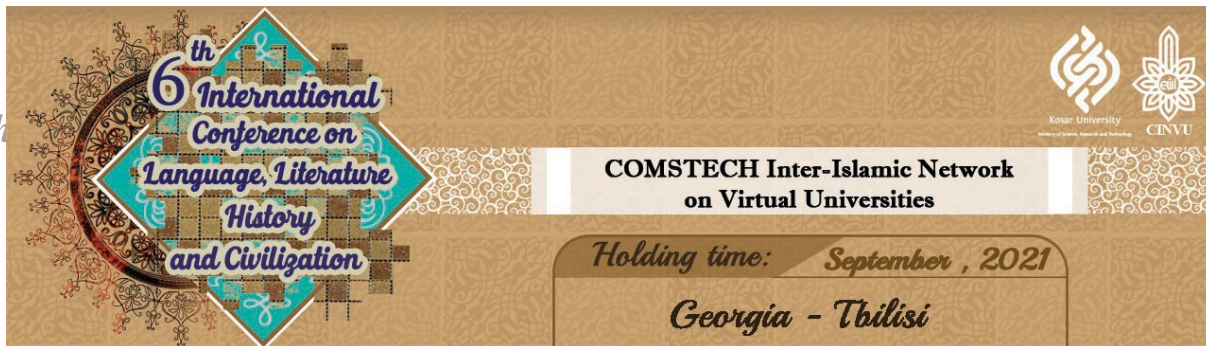
پسر کوچک ما دید که باز  
اشک می ریخت ز چشم مادر»

(ماهوتی، ۱۳۸۹: ۱۱)

### نتیجه

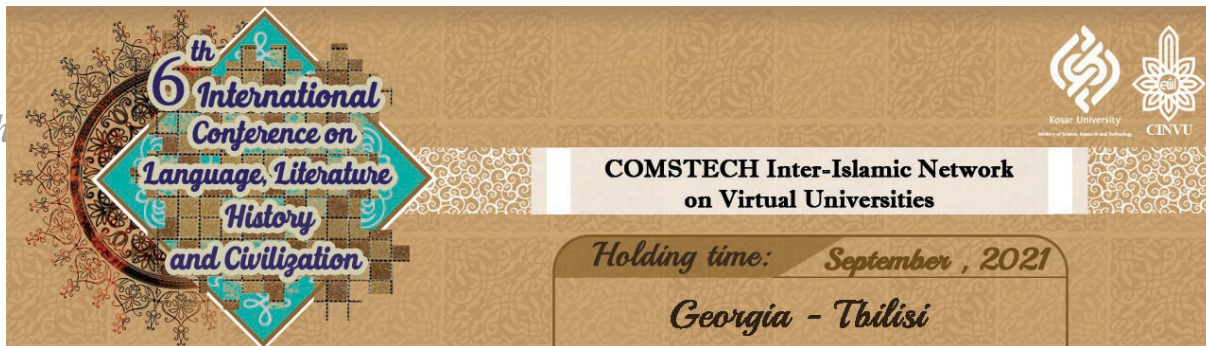
در حوزه شعر معاصر کودک به ندرت به آثاری برمی خوریم که درباره نقش و جایگاه پیامبر(ص) به طور مستقل تحقیقی ارائه کرده باشند و این موضوع در کنار سایر موضوعات مذهبی مورد بررسی قرار گرفته است. حسین حداد، مصطفی رحماندوست، عرفان نظر آهاری، محبوبه عباسپور نوغانی به تقسیم بندی موضوعی اشعار مذهبی، رده بندی این اشعار از نظر گروه سنی و داده های آماری پرداخته اند. در این پژوهش سعی شد بر خلاف نویسندگان و منتقدان پیشین به جای پرداختن به آمار و موضوع های متعدد از مفاهیم مذهبی به طور خاص مفهوم پیامبر(ص) از نظر فکری و زبانی بررسی و به عنوان نمونه برخی از اشعار نقد گردد.

اشعاری که با نام کودک سروده شده و در حال حاضر مورد استفاده قرار می گیرند، به دو دسته کلی قابل تقسیم است: نخست؛ اشعار بازاری و ضعیف که از جنبه های هنری و ارزشی شعر بی بهره اند و تنها نام شعر کودک را یدک می کشند و ارزش بررسی در این مقوله را نداشتند. دوم اشعار خوب و ارزشمند که شاعران واقعی آن ها را سروده اند و لایق آن هستند که به عنوان شعر مذهبی کودک از آن ها نام برده، مورد نقد و بررسی قرار گیرند. بخش اعظم این دسته اشعار که تعدادی از آنها به عنوان نمونه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند به چند مشکل و عیب مشترک گرفتارند: ویروس بزرگسالی که دامن گیر بخش وسیعی از اشعار کودک است و فهم شعر را برای کودک غیر قابل درک و سخت می کند. پرداختن به بیرونی ترین سطح شعر که سبب شده تا شاعر از مضمون و محتوای شعر غافل شده و به دلیل پر کردن جایگاه وزن و قافیه آن را به نازل ترین جایگاه برساند. مفاهیم انتزاعی و دور از ذهن که درک آن برای کودک بسیار سخت است مخصوصاً در مورد دین، که شاعر باید آن را در حد فهم و درک کودک به او بشناساند و دین را در نظر او دور و دشوار نشان ندهد. نارسایی های زبانی کودک را از درک شعر عاجز می کند. به کار بردن زبانی متناسب با توانایی های خوانندگان و توجه بیشتر به جزییات، بهره گیری از احساسات لطیف کودکان، درک درست از درون کودک، افزایش تحرک در اشعار، تلاش در جهت ایجاد بار موسیقایی کلام و استفاده از آرایه ها از جمله مواردی هستند که امید می رود در مجموعه های آتی دیده شود.



## منابع

- امین پور، قیصر، (۱۳۸۵)، شعر و کودکی، تهران، مروارید.
- باهنر، ناصر، (۱۳۸۸)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، انتشارات بین‌الملل. حداد، حسین، (۱۳۷۷)، نان و پروانه، تهران، انتشارات محراب قلم.
- حیکمی، محمود و کاموس، مهدی، (۱۳۸۲)، مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان (ادبیات دینی کودک و نوجوان)، ج ۱، تهران، انتشارات آرون.
- حیدری‌شاهی‌سرای، زهره، شعر آری! شعر نه! مجله کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره صد و شصتم، ۱۳۸۹، ۷۸-۷۳.
- رجب‌زاده، شهرام، توازن فن و هنر در شعر کودک و نوجوان، مجله پژوهشنامه ادبیات کودکان و نوجوان، شماره دهم، ۱۳۷۴، ۸۹-۵۸.
- سهراب مافی، معصومه، (۱۳۷۲)، هفده مقاله درباره ادبیات کودکان، تهران، انتشارات شورای کتاب کودک.
- شافر، دن، کریستین لیوتر، (۱۳۸۸)، کلیدهای کمک به کودک برای برخورد با مرگ عزیزان، اکرم کرمی، تهران، انتشارات صابرین.
- شعبانی، اسدالله، قصه منظوم، مجله کلمه، شماره نهم، ۱۳۸۰، ۳۱-۲۵.
- علاء، افشین، (۱۳۷۷)، نسیم دختر باد، تهران، انتشارات کتاب‌های بنفشه.
- علی‌پور، منوچهر، (۱۳۷۹)، پژوهش در شعر کودک، تهران، انتشارات تیرگان.
- فرخ مهر، حسین، (۱۳۸۵)، باغ آبی، تهران، انتشارات عابد.
- قاسم‌نیا، شکوه، ویروس بزرگسالی در شعر کودک، مجله پژوهشنامه ادبیات کودکان و نوجوان، شماره دوم، ۱۳۷۴، ۳۶-۳۰.
- \_\_\_\_\_، شاعر کودک، کودکی پیرو مجرب، مجله پژوهشنامه ادبیات کودکان و نوجوان، شماره ششم، ۱۳۷۵، ۱۷-۱۴.
- فزل‌ایاغ، ثریا، (۱۳۸۶)، ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، تهران، انتشارات سمت.
- کشایی، اکرم، رد پای غم در شعر کودک، مجله کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره صد و پنجاه و ششم، ۱۳۸۹، ۸۶-۷۷.
- ماهوتی، مهری، (۱۳۸۹)، مروارید مگه، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- محمدی رفیع، شایا، شخصیت پردازی در شعر کودک، مجله کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره نود و نهم، ۱۳۸۴، ۶۲-۵۶.
- مزیانی، محمد کاظم، (۱۳۷۵)، ساده مثل آسمان (مجموعه ۱۴ شعر از چهارده معصوم)، تهران، انتشارات رویش.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۰)، عناصر داستان، تهران، انتشارات آگاه.



نصرتی، علی اصغر، وقتی که گل پژمرد، مجله نهال انقلاب، شماره صد و بیست و چهارم، ۱۳۶۶، ۱۶.  
 نیک طلب، بابک، (۱۳۸۳)، پنجره‌های آسمان (۷۲ شعر کودک و نوجوان درباره معصومین)، تهران، انتشارات افق.